

مسلم و سیاسی، دارای **اختلافاتی هستند و حتماً ممکن است جلساتی هم پیش آمده باشد که سر موضوعی با هم به اختلاف برخورد؛ اینها را چطور حل می کرد؟**

طبعاً اولین نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که همواره دشمن مشترک باعث افزایش همگرایی و وحدت می شود.

در عراق هم با وجود تمام تفاوت‌ها و تنوعات مذهبی، نژادی، زبانی، سلیبق و… همگی با یک دشمن مشترک به‌نام داعش مواجه بودیم؛ دشمنی که توان نظامی قابل توجهی داشت و خطر جدی برای موجودیت همه ما به شمرامی رفت. همین موضوع ایجاب می‌کرد تا تعامل و همکاری و فراتراز آن وحدت و تشکیل ید واحده برای مقابله با داعش شکل بگیرد.

اما در مورد سلوک و روش حاج قاسم در فرماندهی و همچنین حجاج ابومهدی در کنار ایشان باید بگویم که این دوا با یکدیگر به‌صورت مشترک فرماندهی این تشکیلات نوپا را بر عهده داشتند، این دو نفر بودند که نیروهای داوطلب را آموزش، سازماندهی و میان گروه‌های مختلف تقسیم کردند و همچنین گروه‌های مقاومت را تجهیز، پشتیبانی و تقویت کردند.

در گام بعدی نیز همین دو نفر بودند که گروه‌های مختلف را در محورهای مختلف به ترتیبی جایگذاری کردند تا در عملیات مختلف

مجاهد را در اختیار داشت.

قبل از هر عملیات، این اتاق فرماندهی عملیات تشکیل جلسه می‌داد. طبعاً متناسب با هر عملیات، یعنی متناسب با منطقه یا محوری که قرار بود عملیات در آن صورت بگیرد و نیروهایی که قرار بود در آن مشارکت کنند، یک اتاق عملیات ویژه نیز زیر نظر این اتاق فرماندهی تشکیل می‌گردید.

در ابتدا، ما مساحت گسترده داشی داشتیم و در محورهای زیادی با داعش می‌جنگیدیم؛ اما در ادامه مناطق وسیعی آزاد شد و در چند محور محدود با تروریست‌ها مبارزه می‌کردیم. مثلاً در عملیات آزادسازی غرب موصل، قرار بود منطقه وسیعی را آزاد کنیم؛ اما کل آن عملیات ذیل یک محور تعریف می‌شد. طبعاً تمام واحدهای نظامی ما نیز در همین عملیات و در یک منطقه واحد به کار گرفته می شدند. در اتاق فرماندهی ویژه هر عملیات، نقشه عملیات به‌صورت مغمعی و مشارکتی طراحی می‌شد. این طور نبود که از ناحیه فرماندهی کل، دستورات صادر یا نقشه‌ها ابلاغ شود.

روش و منش حاج قاسم و حجاج ابومهدی این بود که در جلسات اتاق فرماندهی ویژه هر عملیات، مقید بودند حتماً سخنان و نظرات همه حاضران یا فرماندهان محورها و فرماندهان میدانی را بشنوند. آنها ابتدا وضعیت دشمن و توزیع نیروهای آن، وضعیت سرزمینی، توزیع و جهت‌گیری

۱۴۰۰

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

ویژه نامه دومین سالگرد

شهادت مجاهد شهید ابو مهدی المهندس – دیماه ۱۴۰۰

شکل گسترده‌ای استفاده شد.

می‌توان گفت حشدالشعبی یک سازمان رزم منسجم با سلسله مراتب فرماندهی روشن است که مأموریت خود را دفاع از وطن، مقدسات، اسلام و همچنین دفاع از مذهب می‌داند.

در این سازمان رزم، مذاهب مختلفی وجود دارند؛ برخی از برادران اهل سنت از همان روزهای نخست در کنار ما بودند تا مناطق و سرزمینشان را از جنگال تروریسم و داعش آزاد کنیم. همچنین باید برادران مسیحی را اضافه کرد. یعنی ما حتی محدود به مسلمانان و دفاع از اسلام هم نیستیم.

همچنین برادران ایزدی که از همان روزی که قرار شد به سمت آزادسازی مناطق ایزدی برویم، آنها نیز داوطلبانه با ما پیوستند. حشد الشعبی نیرویی است که در سرتاسر کشور عراق جنگیده است و تبعاً در هر منطقه‌ای، اهالی آن جا در کنار ما بوده اند؛ در نتیجه همه قومیت‌های عراق مانند عرب، ترکمان، شیک و… در حشد الشعبی حضور دارند، هرچند حضور کردها بسیار اندک است؛ زیرا آنها سازمان رزم مخصوص به خود را داشتند.

خلاصه این که جلسات اتاق فرماندهی، ثمرات بسیاری داشت که باید در میان آنها بر «تفاهم» تأکید کرد. گاهی جلسات مباحثه باعث افزایش اختلاف می‌شود؛ اما این هنر مدیریت حجاج ابومهدی و حجاج قاسم بود که پیش از تأسیس حشدالشعبی بود.

آن دسته از سیاستمداران و نظامیان که حجاج قاسم را شناخته بودند، به حجاج قاسم چگونه نگاه می‌کردند؟

حاج قاسم نسبت به دیگر مستشاران و تمام برادران مدافع و کسانی که مسأله عراق برایشان اهمیت داشت، متمایز بود. ویژگی مهم حاج قاسم این بود که در صف نخست در کنار عراقی‌ها قرار داشت و حتی در برخی مواقع، عراقی‌ها پشت سر او بودند.

در حضور از عراقی‌ها سبقت می‌گرفت و همه سیاستمداران این مسائل را دربار‌ه حاج قاسم شنیده بودند و وقتی با او دیدار می‌کردند، گویی از قبل او را می‌شناختند.

■ **حاج قاسم محور وحدت همه گروه‌ها بود**

از نظر شخصیتی ، حاج قاسم فردی بسیار متواضع و متین، بسیار خوش رفتار و اخلاق مدار و دوستدار انسان‌ها بود، به‌طور کلی مردم را دوست داشت، علاوه بر آن به همه رزمندگان و حاضران در میدان نبرد ابراز محبت و دوستی می‌کرد.

وی شخصیتی با ایمان و پرورش یافته با ویژگی‌های والای اخراقی اسلامی داشت، اخلاق او الگوگرفته از مکتب اهل بیت عصمت و طهارت(ع) بود و همواره به آنها اقتدا می‌کرد و ویژگی‌های معرفتی و اخلاقی والایی با الگو گرفتن از ائمه معصومین(ع) داشت. او از راه و مکتب امام خمینی (ره) تبعیت می‌کرد و پرورش یافته مکتب امام خمینی (ره) بود و تحت رهبرِ ایشان مجاهدت و مبارزه کرد و همچنین رابطه مستقیمی با امام‌خامنه‌ای داشت.

حاج قاسم یک شخصیت معمولی نبود و هر کس با او دیدار می‌کرد، با رضایت قلب از او جدا می‌شد، هر کس با حاج قاسم دیدار می‌کرد، احساس می‌کرد که حاج قاسم با اخلاق‌مداری و تفنصل به وی همه‌گونه از او حمایت می‌کند.

■ **مهم‌ترین دغدغه حاج قاسم وحدت کلمه میان عراقی‌ها بود**

حجاج قاسم یک شخصیت کاریزماتیک داشت و همه از او راضی بودند و او محور وحدت همه گروه‌ها بود. خود گروه‌ها هنگامی که حاج قاسم می‌آمد و از آنها می‌خواست که متحد شوند و ایده‌ای ارائه می‌کرد، با او موافقت می‌کردند. حاج قاسم می‌توانست گروه‌ها را متحد کند و مهم‌ترین دغدغه او، وحدت کلمه میان عراقی‌ها بود.

به طور کلی در محافل جهادی، حاج قاسم و حجاج ابومهدی المهندس محور وحدت و انسجام بودند؛ سیاستمداران هم برای حل مشکلات شان از آنها کمک می‌گرفتند.

مثلاً در انتخابات سال ۲۰۱۴ و تشکیل دولت که داعش حمله کرد، سیاستمداران به کمک حاج قاسم برای حل مشکلات و اختلافات نیاز پیدا کردند و عملاً هنگامی که حضور پیدا می‌کرد، وحدت و انسجام و مشورت و گفت‌وگو و دستپایی به نتیجه‌ی واحد، محقق می‌شد.

درباره روابط میان حاج قاسم و حجاج ابومهدی المهندس بگویید، راز این رابطه چیست و تأثیرات آن بر روحیه رزمندگان مقاومت چگونه بود؟

البته تصوری کم کم به من و امثال من، هرگز نخواهیم توانست این رابطه را به شکل مطلوب و صحیح و دقیق توصیف کنیم، زیرا این رابطه روحانی و الهی بود. سطح نزدیکی حاج قاسم به خادوند تبارک و تعالی و سطح عبادت و بندگی وی و حجاج ابومهدی را نمی‌توان توصیف کرد، هر دوی آنها اسد‌های بالایمان و مخلص‌ی بودند، بودی آن دو نشأت گرفته از ایمان و اخلاص و سطح روحی آنها بود.

آنچه ما دیدیم، اینکه رابطه آنها متمایز و منحصراً به فرد نبود، رابطه مبتنی بر محبت و

■ **دوشنبه ۱۳ دی ۱۴۰۰**

■ **سال بیست و هفتم**

■ **شماره ۷۸۱۵**

دوستی و تفاهم در بالاترین سطح بود، یعنی تفاهم و محبت و عشق به شکل کامل میان آنها برقرار بود.

■ **ابومهدی به صراحت می‌گفت من سرباز حاج قاسم هستم**

ابومهدی کاملاً از حاج قاسم تبعیت و به صراحت اعلام می‌کرد که من سرباز حاج قاسم هستم و حاج قاسم هم ارزش و احترام والایی برای ابومهدی قائل می‌شد و از دیدگاه‌ها و ملاحظات ابومهدی استفاده می‌کرد.

روابط میان آنها فراتر از یک رابطه عادی بود. گویا یکی از آن دو در جست‌وجوی دیگری بود و یکی از آن دو، دیگری را تکمیل کننده خود می‌دید. گویی هر دو یک روح در دو بدن هستند. در نهایت هم خداوند خواست تا روح آنها در یک لحظه به ملکوت پرواز کند.

چنین حادثه‌ای کم پیش می‌آید که دو فرد به‌طور دقیقاً هم‌زمان از این جهان به جهان دیگر در یک لحظه عروج کنند و ما می‌دانیم که آنها زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند و از زندگی دنیا به زندگی آخرت بدون مرگ عروج کردند، مردم می‌میرند، ولی آنها نمرندند. «و لا تقل لمن یتقل فی سبیل الله اموات بل احیاء، ولیکن لا تشعرون.»

برگردیم به **عملیات‌های ضد داعش، سخت‌ترین عملیات شما علیه گروه تروریستی داعش کدام بود؟ به طوری که گمان می‌کردید پیروزی در این عملیات بعید است؟**

افراط گرای اسلامی در جهان پخش شده بود و توانست مردم را به خود جذب و آنها را متقاعد کند که کوتاه‌ترین راه برای رسیدن آنها به بهشت، پیوستن آنها به داعش و به‌طور مشخص عملیات انتحاری است.

آنها با انسان‌هایی که در برابرشان قرار می‌گرفتند به‌عنوان مردترین و افراد خارج از دین که باید کشته شوند، رفتار می‌کردند، به همین خاطر به‌طور گسترده انتحاری‌ها را به خدمت گرفتند و در عین حال هدف اساسی آنها، سرنگونی دولت عراق و سیطره بر این کشور بود. به همین سبب بیشترین تعداد از نیروهایشان را را به عراق گسیل داشتند و شمار زیادی از این افراد انتحاری را وارد نبرد برای تحقق هدف خود کردند، اما خدا را شکر با قدرت ایمان با آنها مقابله کردیم، مبارزه با آنها با شجاعت و قدرت ایمان صورت گرفت، ما عنصر ایمان و اخلاص و عشق به شهادت داشتیم، پیشرو بودن و اصرار و حضور و جانفشانی نیروهای ما عامل اول بود و عامل دوم، سلاح بود.

البته حمایت تسلیحاتی هم از سوی جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت. برای مثال، ما سلاح کورنت را دریافت کردیم که تأثیر زیادی در مقابله با خودروهای بمبگذاری شده پیش از رسیدن آنها به اهداف شان و پیش از رسیدن آنها به نیروهایمان داشت.

ایستادگی و شجاعت رزمندگان ما ناشی از



حاج ابوعلی در کنار هادی العامری در جمع مجاهدین سپاه بدر در دهه ۷۰

ایمان و اخلاص بود، همچنین پوشش هوایی به ناپودی قدرت داعش کمک کرد و پیروزی سریعی را برای نیروهای مجاهد و حشدالشعبی محقق کرد.

حشد ویژه در عملیات تهاجمی دوشادوش نیروهای مسلح با داعش جنگید، ما طرحی را وضع می‌کردیم که حشد الشعبی و ارتش و پلیس فدرال و نیز نیروهای مبارزه با تروریسم و واکنش سریع و تمام نیروهای امنیتی دوشادوش یکدیگر در آن مشارکت می‌کردند، گویا همه یک نیروی واحد بودند، اینگونه همکاری و اتحاد و انسجام وجود داشت. یک اتحاد واقعی محقق شد و این عامل بسیار تأثیرگذار و اساسی از عوامل پیروزی سریع بود.

شما به‌عنوان فردی نزدیک به حاج قاسم سلیمانی، شخصیت و اخلاق حاج قاسم سلیمانی را چگونه دیدید؟

حجاج قاسم سلیمانی یک شخصیت الگو و در نوع خود بی‌نظیر بود، ویژگی‌هایی در شخصیت وی وجود داشت که جمع همه این صفات در یک فرد دشوار بود و خیلی افراد کمی از مردم می‌توانند چنین ویژگی‌هایی داشته باشند.

حجاج ابومهدی و دیگران طرح‌هایی را وضع و آماده می‌کردند. حملاتی را انجام دادیم و داعشی‌ها همچنان از مواضع خود در بیچی دفاع می‌کردند، که در هیچ شهر دیگری اینگونه دفاع نمی‌کردند. از طریق خودروهای بمبگذاری شده به نیروهای ما حمله می‌کردند.

در یکی از روزها با ۲۰ خودروی بمبگذاری شده به‌صورت هم‌زمان حمله کردند، نیروها هر قدر هم زیاد و قوی باشند، اگر ۲۰ خودروی بمبگذاری شده هم‌زمان حمله کنند، شرایط بسیار سختی حادث می‌شود. کار خیلی دشوار شده بود، تا اینکه حاج قاسم به بیچی آمد و طرح‌های قبلی را بررسی و طرحی را پایه‌ریزی کرد و بیچی به آسانی بر اساس این طرح آزاد شد.

طرح این بود که ما مستقیماً وارد بیچی نشویم، بلکه آن را دور بزیم و در عمل بیچی را با امکانات و سلاح‌ها و استحکامات موجود در آن رها کرده و آن را دور زدیم و تمام راه‌های امدارسانی به داعشی‌ها را قطع کردیم و به‌طور کامل بر همه آنها مسلط شدیم و در نهایت آنها از تنها راه و منفذ باقی مانده عقب نشینی کرده و شهر به طور کامل آزاد شد.

شویه **بخورد با انتحاری‌ها چگونه بود؟**
داعش یک تشکل عقیدتی و جهانی است که داوطلبانی از مناطق مختلف جهان ازاعراب و خارجی‌ها همچون روس‌ها، فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها و… به آن پیوستند. در این گروه مسلحان افراطی عضو بودند. این جریان

■ **شبیه‌ترین فرد به حاج قاسم، ابومهدی بود**

نزدیک‌ترین فرد و شبیه‌ترین فرد به او، حاج ابومهدی المهندس بود و ما در سایه وجود این فرمانده بزرگ با ویژگی‌های الهی و روحانی و با عزم و اراده و اخلاص و قدرت و تدبیر و شجاعت توانستیم به پیروزی برسیم.